

## نقش اندیشه و مدارا در اسلام

پاسخ به اتهامات پاپ بر ضد اسلام

(۱)



از دیدگاه اسلام علم و اندیشه مقدمه ایمان است و ایمان بدون علم و اندیشه انسان را سعادتمند نخواهد کرد و به مسلمانان توصیه شده است که «از چیزی که دانشی درباره آن ندارند پیروی نکنند» و این یکی از تفاوت‌های بزرگ اسلام و مسیحیت است، چرا که در مسیحیت هرگز تفکر مقدمه ایمان نیست، زیرا بسیاری از تعالیم آن اساساً با تفکر سازگار نمی‌باشد و خود بزرگان مسیحیت نظیر قدیس «آنسلم» اعتراف کرده‌اند.

مدارا با مردم و صلح‌طلبی اسلام نیز از اصول غیر قابل انکاری می‌باشد که یکی از مهم‌ترین علل گسترش اسلام است. «وجوب جهاد» بر مسلمانان در حقیقت به منظور «دفاع از آزادی اندیشه و بیان» است و مسلمانان وظیفه دارند با کسانی بجنگند که اجازه نمی‌دهند پیام خداوند متعال به گوش مردم برسد، تا آنها آزادانه به انتخاب یا عدم انتخاب آن بپردازند. پیروزی اسلام در صلح و آزادی اندیشه و بیان است و به همین خاطر در قرآن کریم از «صلح حدیبیه» که به موجب آن مسلمانان حق آزادی تبلیغ دین خود را یافتند، به «فتح مبین» تعبیر شده است و سراسر زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گواه این مدعا است. در این مقاله، این مباحث، تبیین و اثبات می‌گردد.



مقدمه

دعوت آنها برای جلوگیری از پذیرش دعوت

آنها به وسیله مردم، شیوه‌های متعددی را به

کار برده‌اند و در این راه از هیچ ابزاری

مطالعه در تاریخ انبیاء و مصلحان

جوامع بشری روشن می‌کند که مخالفان

تهمت‌ها به شکل‌های گوناگون مطرح می‌شد. مطابق آیات قرآن کریم کفار و منافقان گاهی پیروان اسلام را سفیه و احمق معرفی می‌کردند تا به دیگران القا کنند که این افراد که به انبیاء گرویده‌اند فریب خورده‌اند و بدون تفکر و اندیشه این دین را پذیرفته‌اند چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ﴾ (۳)

«هرگاه به آنها گفته شود که شما هم مانند سایر مردم ایمان بیاورید می‌گویند آیا ایمان بیاوریم بدان گونه که سفیهان ایمان آورده‌اند؟»

اما ترور شخصیت صاحب دعوت ابزار کارآمدتری بود، چنان که مخالفان پیامبر اسلام، او را مجنون، شاعر و جادوگر معرفی می‌کردند. البته مخالفان به این هم اکتفا نمی‌کردند و با انواع تهمت‌ها سعی در ترور شخصیت معنوی پیامبر ﷺ

چشم‌پوشی نمی‌کردند. از جنگ و خونریزی و زنده در آتش سوزاندن پیروان آن دعوت گرفته تا قتل صاحب دعوت. چنانکه در برخی روایات آمده است که بنی اسرائیل در يك ساعت چهل و سه پیغمبر را سر بریدند و از عابدان بنی اسرائیل که به این عمل اعتراض نمودند تا آخر روز یکصد و دوازده نفر را نیز به قتل

رساندند. (۱) قرآن کریم با تأیید قتل پیامبران به وسیله آنها می‌فرماید: ﴿وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (۲) و البته باید توجه داشت که استفاده از خشونت، جنگ و ترور فقط یکی از ابزارهایی بود که به وسیله مخالفان مورد استفاده قرار می‌گرفت. آنان روش‌های دیگری نیز برای جلوگیری از گرایش مردم به دعوت آنها به کار می‌بردند که مهم‌ترین این روش‌ها ترور معنوی شخصیت صاحب دعوت و پیروان آنها بود که از طریق طرح تهمت‌های ناجوانمردانه بر ضد آنها جامه عمل می‌پوشید. این

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۱۹۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲.

داشتند و حتی در این راه از دادن نسبت‌های ناروا به زنان پیامبر نیز چشم‌پوشی نمی‌کردند چنان‌که ماجرای افک را درباره یکی از زنان پیامبر مطرح کردند و قرآن کریم با واکنش به موقع، این توطئه را خنثی کرد<sup>(۴)</sup> و البته این گونه‌ی تهمت‌ها در زمان انبیای پیشین نیز رواج داشته است چنان‌که در تاریخ انبیاء آمده است که قارون که پسر عمو یا پسر خاله حضرت موسی علیه السلام بود هنگامی که با درخواست موسی مبنی بر پرداخت زکات مواجه شد موسی را متهم به زنا کرد و با همدستی برخی از سران بنی‌اسرائیل زن بدکاره‌ای را اجیر کردند تا در حضور مردم اعلام کند که موسی با من عمل نامشروع انجام داده است. کاملاً روشن بود وقتی یکی از فرمان‌های دهگانه موسی علیه السلام پرهیز از این عمل زشت بود در بین مردم چه تنفری از موسی به عنوان یک دروغگوی عوام فریب ایجاد می‌شد. البته اراده خدا بر این تعلق گرفت که آن زن در حضور مردم به جای متهم کردن موسی اصل ماجرا را بگوید و

قارون و همدستانش رسوا شوند. (۵)  
 طرح چنین اتهاماتی اختصاص به زمان انبیاء گذشته یا صدر اسلام ندارد. در عصر کنونی نیز شاهد چنین اتهاماتی از طرف مخالفان دعوت انبیاء هستیم و این مطلب درباره دین مبین اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن آن با تبلیغات بیشتری همراه است و مهم‌ترین علت آن جاذبه ذاتی تعالیم این دین و مخالفتش با سردمداران کفر و الحاد است. و ما امروز شاهد هستیم که دنیای کفر و الحاد هر روز با يك اتهام به این دین مبین حمله می‌کند، يك بار با چاپ و پخش کتاب موهن آیات شیطانی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به شهوت‌پرستی متهم می‌کنند و يك بار با چاپ کاریکاتورهای اهانت‌آمیز، آن حضرت را به تروریست بودن متهم می‌کنند و بار دیگر يك روحانی متعصب مسیحی نظیر «پاپ بندیکت شانزدهم» با بیان سخنانی غیر منطقی و نادرست به این اتهامات دامن می‌زند و اسلام را متهم به مبارزه با دانش و

۴. سوره نور، آیه ۱-۲.

۵. محمدی اشتهاردی، قصه‌های قرآن، ص ۲۷۲.

معرفی شده است، چنان که می‌فرماید: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾<sup>(۷)</sup> پیامبر اسلام نیز هدف از بعثت خود را علم‌آموزی معرفی می‌کند و پس از حضور در مسجد و مشاهده دو گروه از مسلمانان که یکی به عبادت پرداخته بود و دیگری به بحث علمی مشغول بودند به جمع اهل علم می‌پیوندد و می‌فرماید: «بالتعليم أرسلت»<sup>(۸)</sup>.

از نظر اسلام سعادت‌مند کسی است که در انتخاب راه به یقن برسد و سپس آن را انتخاب کند و یکی از ملاک‌های برتری اسلام بر مسیحیت نیز همین می‌باشد که در مسیحیت دانش و تفکر مقدمه ایمان آوردن نیست بلکه بر عکس ایمان آوردن باید به عنوان مقدمه‌ای برای فهمیدن قلمداد شود، چنان که از قدیس «آنسلم» نقل شده است که «من نمی‌اندیشم تا ایمان بیاروم بلکه

تفکر و پیروی از منطق خشونت و ترور می‌کند.

در این مقاله سعی شده است به بیان نادرستی اتهامات مخالفان اسلام به این آیین مقدس مبنی بر دانش ستیزی و خشونت‌طلبی پرداخته شود و در دو بخش تحریر یافته است بخش اول به بیان اهمیت دانش و تفکر در اسلام اختصاص دارد و بخش دوم اختصاص به بیان اهمیت مدارا و پرهیز از خشونت در این دین مقدس دارد.

### الف) اهمیت دانش و تفکر در اسلام

هرکس آشنایی مختصری با تعالیم اسلام داشته باشد می‌داند که اهمیت تفکر و اندیشه در این دین به حدی است که نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است درباره علم و دانش است.<sup>(۶)</sup> در آیات نورانی قرآن کریم یکی از هدف‌های ارسال رسولان تعلیم و تربیت

۶. سوره علق، آیه ۴.

۷. سوره بقره، آیه ۱۵۱.

۸. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

ایمان می آورم تا ببیندیشم»<sup>(۹)</sup>.

دانشجویان را دوست دارد».

قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد:  
«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ  
وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ  
مَسْئُولًا»<sup>(۱۰)</sup>.

۲. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «أَطْلِبُوا  
الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»<sup>(۱۲)</sup>: «دانش را طلب  
کنید حتی اگر مجبور باشید برای طلب آن  
به چین بروید».

«از چیزی که نسبت به آن آگاهی نداری  
پیروی نکن زیرا گوش و چشم و دل همگی  
مورد سؤال واقع خواهند شد».

۳. پیامبر اکرم ﷺ  
می فرماید: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخِذِ  
الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ»<sup>(۱۳)</sup>: «حکمت  
گمشده مؤمن است پس آن را حتی اگر در  
دست منافقان است به دست آورید».

علاوه بر آیات قرآن کریم که بر اهمیت  
علم و تفکر تأکید فراوان دارند کلام  
پیشوایان این دین درباره تفکر و اندیشه نیز  
دلیل دیگری بر اهمیت آن از نظر اسلام  
می باشد. به عنوان نمونه به برخی از این  
سخنان ذیلاً اشاره می شود:

۴. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ  
عَمِلَ عَلَيَّ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا  
يُصْلِحُ»<sup>(۱۴)</sup>: «کسی که بدون علم به کاری  
اقدام کند خراب کاری اش بسیار زیادتر از  
درست کاری او خواهد بود».

۱. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «طَلَبُ  
الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
بُغَاةَ الْعِلْمِ»<sup>(۱۱)</sup>: «علم آموزی بر همه  
مسلمانان واجب است. مسلماً خداوند

۵. علی رضی الله عنه می فرماید: «المتعبد بغير  
علم كحمار الطاحونة يدور ولا يبرح من  
مكانه»<sup>(۱۵)</sup>: «کسی که بدون دانش و

۹. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطان آبادی، ص ۴۶۲.

۱۰. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۱۲. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۱۸۰.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۹۹.

۱۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۵.

۱۵. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۰۸.

پیشرفت علوم کردند تنها همان اکتشافات علمی ایشان نبود، بلکه با تأسیس مدارس و تألیف کتب علمی سبب انتشار دانش شدند و از این نظر حق بزرگی بر گردن اروپائیان دارند.<sup>(۱۷)</sup>

بدون شك علت اصلی این پیشرفت اعجاب انگیز و معجزه آسا را باید در توصیه‌های پیامبر اسلام ﷺ و اهمیتی جستجو کرد که در این دین مبین برای علم وجود دارد. و این پیشرفت علمی فقط محدود به جامعه عربستان نبود بلکه اسلام وارد هر سرزمینی که می‌شد تأثیر عمیق خود را در رشد علمی آن سرزمین می‌گذاشت.

به عنوان نمونه می‌توان به ایران قبل و بعد از اسلام اشاره کرد. در نبوغ و استعداد ایرانیان هیچ شکی وجود ندارد اما نظام ظالمانه شاهنشاهی که برای يك مدت طولانی بر مردم ایران حکومت می‌کرد، علم و دانش را در انحصار چند طبقه محدود از افراد جامعه قرار داده بود و حق علم‌آموزی برای هیچ فرد دیگری وجود

آگاهی به عبادت خدا می‌پردازد مثلش مثل الاغ آسیابان است که دور می‌زند ولی گام جلو نمی‌نهد».

این‌ها فقط بخش کوچکی از توصیه‌های رهبران اسلام درباره دانش‌اندوزی است و اگر چنین تأکیدهایی از طرف بزرگان اسلام درباره علم و دانش نبود هرگز امکان نداشت مکه که بنا بر نقل مورخان، قبل از ظهور اسلام فقط هفده نفر با سواد داشت و مدینه که دارای یازده نفر با سواد بود<sup>(۱۶)</sup> در مدت کوتاهی خود را به عنوان مرکز تمدن و تفکر به جهان معرفی کنند.

نقش تمدن اسلامی در پیشرفت علم و دانش به اندازه‌ای است که نویسندگان متصف غرب نیز بارها به آن اعتراف کرده و به نقش مسلمانان در شکوفایی تمدن بشری به عنوان يك حقیقت انکار ناپذیر اشاره نموده‌اند، چنانکه «گوستاولوبون» نویسنده و محقق غربی در این خصوص می‌نویسد: «خدمتی که مسلمانان به

۱۶. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۵۷.

۱۷. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، ص ۵۸۸.

نداشت، چنان که فردوسی در شاهنامه آورده است که خسرو انوشیروان که مورخان غیر متعهد و درباری او را به عنوان مظهر عدالت در بین پادشاهان ایران باستان معرفی کرده بودند، حاضر نشد به يك كفشگر زاده اجازه علم‌آموزی دهد و این در حالی بود که تمام سپاهیان او که برای جنگ با امپراتوری روم اعزام شده بودند با کمبود شدید آذوقه مواجه بودند و گنجینه زر و سیم پدر آن بچه می‌توانست پیروزی آن را تضمین کند، اما خسرو با این دید که تحصیل يك بچه كفشگر موجب می‌شود که نظام طبقاتی موجود به هم بخورد حاضر به پذیرش كلك آن كفشگر متمکن ایرانی نشد. (۱۸) و گزینه ملتی که در میان آن اندیشمندان مثل داریوش هخامنشی وجود داشت که نخستین کسی بود که به حفر کانال سوئز اقدام نمود، (۱۹) دارای چنان استعدادی بود که با شاهکارهای علمی خود جهانیان را شگفت زده کند. ملتی که اندیشمندانمانند

کوروش کبیر را داشت که بنا بر نظر برخی از مفسران همان ذوالقرنین است که در قرآن کریم از اندیشه و قدرت تکنولوژیکی عجیب او در ساختن دیوار فلزی میان دو قوم سخن به میان رفته است، (۲۰) آیا دارای استعداد‌های دیگری از فرزندان داریوش‌ها و کوروش‌ها نبود که امروزه ما جز معدود آثاری که بیانگر پیشرفت قصرسازی در آن دوره بوده اثر علمی قابل توجهی را به عنوان میراث علمی از آنها در دست نداریم؟! در این دوره، تعلیم و تربیت و فرا گرفتن علوم متداول، انحصار به طبقات ممتاز داشته و اکثریت قریب به اتفاق فرزندان ایران، از آن محروم بوده‌اند. اما با ورود اسلام به این سرزمین و استقبال مردم از آن و آشنایی آنها با تعالیم حیات‌بخش اسلام و توصیه‌های پیامبر اکرم ﷺ به علم‌اندوزی، در مدت کوتاهی شاهد ظهور دانشمندان می‌شویم که سکان کشتی علم و دانش جهان را در اختیار می‌گیرند و قرن‌های متمادی بشریت

۱۸. فردوسی، شاهنامه، ص ۵۱۲.

۱۹. حسن پیرنیا، ایران باستان، ص ۵۷۱.

۲۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۹۰.

را از خـوان دانش خـبود بهره منـسد  
می سازند .

نتیجه‌ای که از این مختصر به دست  
می‌آید این است که اهمیتی که اسلام برای  
تفکر و اندیشه قائل است به حدی است  
که به هیچ عنوان قابل انکار نیست و هیچ  
دینی به اندازه اسلام در این باره داد سخن  
نسداده است و اگر کسی این حقیقت را  
انکار کند یا اسلام را نشاخته است و نسبت  
به تعالیم آن جاهل است و یا خود را به  
جهالت زده است .

### آزادی اندیشه و انتخاب در اسلام

یکی دیگر از اتهاماتی که در سطحی  
وسیع به وسیله مخالفان اسلام بر ضدّ این  
دین حیات بخش مطرح می‌شود و بسا  
تبلیغات فراوان به آن دامن می‌زنند این  
است که اسلام دین خشونت است و  
می‌خواهد پیروان سایر ادیان را به زور  
مسلمان کند . به نظر می‌رسد این مخالفان

که عمدتاً غربی هستند سابقه بسیار تاریک  
خود را در مبارزه با علم و دانش و آزادی  
اندیشه و بیان، فراموش کرده‌اند و چهره  
سیاه خود را در آینه اسلام می‌بینند و آنچه  
تاکنون خود انجام داده و هم اکنون نیز  
انجام می‌دهند، به نام اسلام به مردم جهان  
معرفی می‌کنند! گویا فراموش کرده‌اند که  
اینان فرزندان همان کسانی هستند که  
«جوردانو برونو» کشیش ایتالیایی را به جرم  
اظهار نظر درباره‌ی يك مسئله عقلی در  
دادگاه تفتیش عقاید در سال ۱۶۰۰  
میلادی، محکوم به سوختن کردند. (۲۱)

گویی فراموش کرده‌اند که پدران آنها گالیله  
را به جرم بیان نظر علمی خود درباره حرکت  
زمین به پای چوبه دار بردند و پس از آن که  
با زور وادار به توبه از عقاید خود کردند، به  
مدت هشت سال در سنین کهنسالی در  
خانه‌اش بازداشت کردند. (۲۲)

کسانی امروز اسلام را متهم به مبارزه با  
آزادی اندیشه می‌کنند که دیروز کتاب

۲۱. آ. سی، کرومی، از اگوستین تا گالیله، ترجمه احمد آرام، ص ۲۶۲.

۲۲. مایکل پترسون و دیگران، همان، ص ۳۵۸.



معتقد است ایمان کار قلب است و دل را با شمشیر مناسبت چندانی نیست تا حرف او را بشنود و بپذیرد.

یکی از واژه‌های کلیدی که در بحث «آزادی اندیشه و عقیده» اهمیت دارد توجه به اصل معنای عقیده است. به نظر می‌رسد کسانی که بحث تحمیل عقیده را بر دیگران طرح می‌کنند با معنای صحیح این واژه آشنایی چندانی ندارند زیرا اگر کسی با معنای صحیح این واژه آشنا باشد می‌داند که «عقیده» امری علمی است نه امری عملی و اگر مبادی و مقدماتش در نفس انسان پیدا شود خود او نیز محقق می‌شود و اگر چنین نشود قابل تحمیل نیست. افکار انسان بر برهان و دلیل تکیه دارد و از این رو نه خود انسان می‌تواند عقیده‌ای را بر خود تحمیل کند و نه دیگران توان تحمیل بر او را دارند. اثبات و سلب فکر و عقیده به دست کسی نیست و نیازمند مبادی و مقدمات علمی خویش است. عقیده با عقد و گره

کپرنیک را درباره حرکت اجرام سماوی جزء کتب ضالّه معرفی کردند و به دستور رسمی کلیسا از چاپ و نشر آن جلوگیری به عمل آوردند<sup>(۲۳)</sup> و امروز اشغال روزه گارودی را به جرم بیان عقیده خود درباره یک حقیقت تاریخی به دادگاه کشانده محکوم می‌کنند. رفتار نامناسب آنان و پدرانشان در برخورد با اندیشه ورزی آن قدر گسترده است که حتی ارائه لیستی از آنها در این مختصر نمی‌گنجد و این همه حکایت از منطق ستیزی آنها دارد چرا که خشونت همیشه از کسی سر می‌زند که دارای منطق و برهان نیست و برای جبران کمبود فکری خود به خشونت پناه می‌برد اما اسلام که اساس آن بر استدلال عقلانی است و هرکس بدون دلیل و از روی تقلید به اصول آن ایمان بیاورد از او پذیرفته نیست، همواره برای پیشرفت خود از ابزار اندیشه و تفکر بهره برده است و با ضمیمه کردن عطفوت و مدارا به آن به شکار دل‌ها رفته است چرا که

خوردن ارتباط دارد و خود عقد با تصدیق علمی و یقینی مرتبط است. در اعتقاد، دو عقد و گره لازم است؛ یکی میان موضوع و محمول که به همین جهت قضیه را «عقد» می‌نامد و دیگر میان محمول قضیه و نفس انسان که این عقد دوم را «اعتقاد» می‌نامند. (۲۴)

با توجه به تعریفی که از عقیده و اعتقاد به عمل آمد کاملاً روشن شد که اساساً تحمیل عقیده بر کسی ممکن نیست، و کسانی که مسلمانان را متهم به تحمیل عقیده خود بر دیگران می‌کنند

مطلب درستی را به دیگران ارائه نمی‌کنند یا هدفشان فقط عوام‌فریبی است و از این که مردم جهان به سوی این آیین مقدس گرایش پیدا می‌کنند نگران هستند و می‌خواهند با این سخنان جلوی نفوذ روز افزون اسلام را در میان مردم بگیرند. آنچه نادرستی عقیده آنها را درباره روش گسترش اسلام اثبات می‌کند گرایش همه روزه اندیشمندان ادیان دیگر به دین اسلام است و این در حالی است که این افراد آزادانه در کشور خود زندگی می‌کنند و هیچ کس آنها را به زور به اسلام وادار نمی‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی